



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

تصحیح شرح شطحیات روزبهان بقلی

استاد راهنما

دکتر تقی پورنامداریان

استادان مشاور

دکتر مریم حسینی

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر

الهام رستاد

مهر ۱۳۹۲

سپاس و قدردانی

سپاس، شاید قطره اشکی است که در برابر نگاهی مهربان فرومی‌ریزد. سپاس، شاید صدای تک تک و لرزان قلبی است که از میان تارهای به هم فشرده گلو، آرام آرام، به گوش می‌رسد. سپاس، شاید ایستادن نگاهی است خیره به تابش دست‌های مهر؛ و اکنون

سپاس

تو را سپاس پروردگارا! که این ناتوان را توان بخشیدی و با بارش پیوسته لطف اساتید و دوستان، سبز و سرشار از طراوت ساختی.

از استاد راهنما، آقای دکتر تقی پورنامداریان، فرهیخته بزرگواری که با راهنمایی‌های سازنده و ارزنده خویش، پیوسته مرا یاری دادند، بسیار سپاسگزارم. از استاد مشاور خانم دکتر مریم حسینی که با مهربانی و دلسوزی بسیار، برای این پژوهش نسخه خطی کتابخانه قاضی عسکر را از ترکیه تهیه کردند و با مشاوره‌های عالمانه و مادرانه، درهای مهر و دانش را به رویم گشودند، بی‌شمار سپاسگزارم؛ و هم از زحمات بی‌دریغ استاد مشاور، آقای دکتر ابوالقاسم رادفر، قدردانی می‌کنم.

همچنین از دوست عزیزم، پریسیما جوادی، که نسخه آستان قدس را تهیه کردند و همه دوستان و عزیزانی که مرا در انجام کار یاری رساندند، بی‌نهایت تشکر می‌کنم و سلامتی، شادکامی و پیروزی آنها را از خدای مهربان خواستارم.

چکیده

کتاب شرح شطحیات اثر شیخ روزبهان بقلی شیرازی، از عارفان بزرگ قرن ششم هجری، است. عنوان کتاب نشان می‌دهد که موضوع آن درباره شطحیات، سخنان شگفت و غریب عارفان، است. هانری کربن، شرق شناس مشهور فرانسوی در سال ۱۳۴۴ هجری برای نخستین بار این کتاب را تصحیح کرد.

تلاش ارزشمند و والای کربن در شناساندن این متن ادبی-عرفانی به دوستداران و پژوهشگران، در خور ستایش است؛ اما متأسفانه به دلیل اغلاط فراوان کاتبان دو نسخه، همچنین زبان دشوار روزبهان، اشتباهاتی در تصحیح روی داده که خوانش متن را با مشکل مواجه ساخته است. هر چند طی جستجوهای گسترده و پس از گذشت حدود نیم قرن از تصحیح متن، متأسفانه نسخه معتبر دیگری از این کتاب یافت نشد، اما خوانش دقیق‌تر نسخه‌های موجود، استفاده از نسخه‌ها و کتاب‌هایی که بخش‌هایی از متن شرح شطحیات را آورده‌اند، نیز اضافه کردن تعلیقات و فهرست‌های مناسب، به تصحیح پیراسته و شایسته کتاب کمک خواهد کرد.

در این پژوهش کوشش شده است با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی زیر تصحیح شایسته‌ای از کتاب ارائه شود: نسخه کتابخانه شهید علی، (مورخ ۸۸۹هـ) به شماره ۱۳۴۲ (ورق ۲۶۷-۳۵۹) کتابخانه سلیمانیه استانبول؛ نسخه کتابخانه ملامراد یا قاضی عسکر؛ (احتمالاً قرن نهم) به شماره ۱۲۷۱ (در فهرست ۱۲۹۰) با عنوان «ترجمه و شرح کتاب الطواسین للحلاج المنصور» و «منطق الاسرار و تبیان الانوار» که هم اکنون در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود؛ نسخه منطق الاسرار بیان الانوار به شماره ۱۵۶ (بی تا: احتمالاً قرن ۱۰ به بعد) کتابخانه آستان قدس رضوی؛ طواسین حلاج، (مورخ ۵۸۱ هجری)، به شماره ۵۸۵۴/۲، (عکسی)، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ نسخه «الرسالة النکات المتصوفه الروزبهانیه»، (مورخ ۸۹۷ هـ)، شماره ۳۱۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که بخش اصطلاحات تصوف کتاب را در آن آمده است؛ نسخه تحفه العرفان، تألیف شیخ شرف الدین ابراهیم فرزند صدرالدین روزبهان ثانی، تألیف شده به سال ۷۰۰ هجری؛ نسخه «روح الجنان فی سیره شیخ روزبهان»، از شمس الدین عبداللطیف بن صدرالدین ابی محمد روزبهان ثانی، برادر شرف الدین ابراهیم. مؤلف این کتاب نیز چون تحفه العرفان به توصیف کرامات و حکایات شیخ روزبهان و معرفی آثار وی پرداخته است و در آن بخش‌هایی از شرح شطحیات را نیز ذکر کرده است. تصحیح به شیوه «بینابین» یا «توأم» و در مواردی به روش قیاسی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: روزبهان بقلی، شرح شطحیات، نسخه خطی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

پیشگفتار

فصل اول - کلیات

- زندگی نامه روزبهان بقلی.....۱-
استادان، پیران، معاصران.....۳-
اوضاع سیاسی در عصر روزبهان.....۴-
خاندان روزبهان و طریقت روزبهانیه.....۴-
آثار روزبهان بقلی.....۶-
کتاب شرح شطحیات.....۱۹-
شطح.....۳۵-
معرفی نسخه ها.....۴۹-
شیوه تصحیح.....۶۶-
عکس نسخه ها.....۷۱-

فصل دوم - متن کتاب شرح شطحیات

- مقدمه.....۱-
في بداية احوالي و رغبتی في تصنيف
الكتاب.....۸-
في بيان الخروج ارواح القدسية من اكناف القدم بنعت وجدان الحقيقة
و المعرفة.....
في امتحان القوم.....۱۷-
في صفتی.....۲۰-
في وصف حالی.....۱۱۷، ۸۴، ۲۱-
في امتحان القوم و وقتهم.....۲۲-
اشاره في وصف حالی.....۲۵-
في اسماء المشايخ و نعتهم.....۲۵-
في نعت حسين بن منصور.....۳۷-
في وصف المشايخ و نعتهم.....۴۳-
في وصفی.....۳۳۹، ۱۵۴، ۱۰۴، ۷۲، ۷۰، ۶۳، ۵۶، ۴۵-
في وصف علومهم.....۴۵-

٤٦.....	در معنى ظاهر لغت شطح.....
٤٩ - ٥٠.....	در معنى حروف (الف، لام، راء، ميم، عين، صاد، ياء و هاء).
٥١.....	فى شطح النبى (ص).....
٥٢.....	فى الضحك.....
	فى شطح الصحابه - رضى الله عنهم -
٥٣.....	شطح ابابكر صديق.....
٥٤.....	فى وصفى و عجزى فى التوحيد.....
٥٥.....	فى شطح الفاروق.....
٥٧.....	فى شطح ذى النورين.....
٥٧.....	فى اشارة اهل التمكين.....
٥٨.....	فى شطح المرتضى.....
٦١.....	فى مقالتي.....
٦١.....	فى شطح عامر بن القيس.....
٦٤.....	فى شطح ابراهيم بن ادهم.....
٦٥.....	فى شطح ابى على السندى.....
٦٦.....	فى مخاطبتي مع نفسى.....
٦٦ - ١١٨.....	شطحيات بايزيد.....
٧٣.....	فى مذمتى.....
٧٤.....	فى توحيدى.....
٢١٥ ، ١٩٠ ، ١٥٧ ، ٧٥.....	فى التوحيد.....
٧٦.....	فى التوحيد و المتشابهات.....
٧٧.....	فى وصف حيرتى.....
٢٦٧ ، ٢٤٥ ، ١٦٤ ، ٧٨.....	فى المناجات.....
عجز	فى
٨٠.....	المعرفة..... ١٢٠ ، ١٤٥ ،
٨٢.....	فى تعبير نفسى و مناجاتى الى الله.....
٨٧.....	فى حيرة التوحيد.....
٨٩.....	فى علم القدر.....
٩١.....	فى رمز كلامى.....
٩٦.....	فى رمز معرفتى.....
١٤٣ ، ١٠٠.....	فى التوحيد و المناجات.....
١٠٧.....	فى المعرفة.....
١١٥.....	فى خطاب المعرفة.....
١٢٢.....	فى شطح ذى النون.....

١٢٦	فى شرح الالتباس بلسان الدقايق.....
١٢٧	فى شطح شاه شجاع.....
١٢٨	فى وصف المعرفة.....
١٢٩ - ١٣٢	شطحيات جنيد.....
١٣٣ - ١٣٤	شطحيات ابى عمرو بن عثمان المكى.....
١٣٥ - ١٤٤	شطحيات ابى الحسين نورى.....
١٤٧ - ١٥٠	شطحيات الخراز.....
١٥٠ - ١٥١	شطحيات ابى حفص نيشابورى.....
١٥٢ - ١٥٤	شطحيات ابى محمد رويم.....
١٥٦ - ١٦٠	شطحيات يوسف بن الحسين الرازى.....
١٦٣ - ١٦٤	شطحيات ابوحمزه خراسانى.....
١٦٥	فى شطح سمنون المحب.....
١٦٧ - ١٧٠	فى شطح سهل بن عبدالله التستري.....
١٦٩	فى معرفة الحياة.....
٣٢٩ ، ٢٧٢ ، ٢٧١ ، ١٨٨ ، ١٧١	مناجات.....
١٧٢	فى شطح الكتانى.....
١٧٣	فى وصف مشاهير الاولياء.....
١٧٤	فى شطح ابى الحسين مزين.....
١٧٦ ، ١٨٠	فى شطح ابن عطا.....
١٧٨	فى سير منازل النفر.....
١٨١	فى شطح الصبيحى.....
١٨٢ - ١٨٤	فى شطح على بن سهل الصوفى.....
١٨٥	فى شطح ابى الحسين [البنانى].....
١٨٦	فى شطح ابى عمرو الدمشقى.....
١٨٧	فى شطح ابى الخير التيناتى.....
١٨٨ - ٢١٩	فى شطح الشبلى.....
٣٢١ ، ٢٠٠	فى الالتباس.....
٢٢٠ - ٢٤٤	فى شطح ابى بكر الواسطى.....
٢٣٠	فى التوحيد و صفة الموحد.....
٢٤٥	فى شطح ابى القاسم النصرآبادى.....
٢٤٧	فى شطح ابى العباس السيارى.....
٢٤٨	فى شطح ابى على الدقاق.....
٢٤٨	فى شطح ابى الحسن الخرقانى.....
٢٥٠	فى شطح جعفر الحذاء.....

٢٥٢.....	فى شطح الشيخ ابى يحيى [الشيرازى].....
٢٥٢.....	فى شطح هشام بن عبدان الشيرازى.....
٢٥٤.....	فى سير حالى
٢٥٤.....	فى شطح على بن شلويه
٢٥٥.....	فى شطح ابى الحسين بن هند القرشى.....
٢٥٥.....	فى شطح بندار بن الحسين.....
٢٥٦.....	فى شطح ابى سهل البيضاوى.....
٢٥٦.....	فى شطح ابى مزاحم الشيرازى.....
٢٥٧.....	فى شطح على المائى
٢٥٨ - ٢٥٩.....	فى شطح ابى بكر الطمستانى.....
٢٦٠.....	فى شطح الشيخ ابراهيم الاعرج.....
٢٦١.....	فى شطح ابى على نورباطى.....
٢٦٢.....	فى حقيقة توحيدى و معراجى فى مقام الفقر.....
٢٦٣.....	فى شطح ابى الغريب الاصفهانى.....
٢٦٤.....	فى شطح ابى سعيد بن ابى الخير.....
٢٦٥ - ٢٧٨.....	فى شطح الحصرى
٢٦٩.....	فى نعت النبى - عليه السلام -
٢٧٤.....	فى التوحيد و عجز الانسانى.....
	فى شطحيات حسين بن منصور [الحلاج]
٢٧٩ - ٣٠٩.....	[روايات حلاج]
٣١١.....	فى ادلة اسناد حسين بن منصور الحلاج.....
٣١٤ - ٣٧١.....	شطحيات حلاج.....
٣١٩.....	فى غيرة التوحيد.....
٣٣٥.....	فى الحرية
٣٤٢.....	فى وصف العارفين.....
٣٤٩.....	فى توحيد المجرد.....
٣٥٥.....	فى حقيقة المعرفة.....
٣٥٨.....	فى حقيقة الالباس و عين الجمع.....
٣٧١.....	فى شرح كتاب الطواسين للحلاج.....
٣٧٢.....	فى معنى الطواسين.....
٣٧٣.....	طاسين السراج.....
٣٨١.....	طاسين الفهم.....
٣٨٦.....	طاسين الصفاء.....
٣٨٩.....	طاسين الدائرة.....

طاسين النقطة	٣٩٧
طاسين الازل و الالتباس	٤١٠
طاسين المشيئة	٤٢٤
طاسين التوحيد.....	٤٢٧
في شرح طاسين الاسرار في التوحيد.....	٤٢٩
طاسين التنزيه.....	٤٣١
طاسين النفي و الاثبات	٤٣٧
[اصطلاحات الصوفيه].....	٤٤٠
خاتم الكتاب.....	٤٩٤

فهرست‌ها (آيات، احاديث نبوي (عربي، فارسي)، احاديث قدسي، اقوال مشايخ (عربي)،

ابيات فارسي و عربي، حكايات، اشخاص، ملل و نحل، كتاب‌ها، جاي‌ها، واژگان) تركيبات اضافي ادبي (بر اساس چاپ

كربن)..... ٥٦٩ - 495

فهرست منابع

چكيده انگليسي

پیشگفتار

کتاب شرح *سطوحیات* نوشته روزبهان بقلی یکی از آثار مهم مثنوی عرفانی قرن ششم به زبان فارسی است. نثر کتاب به دلیل استفاده بسیار خاص از آیات قرآن، احادیث، نیز تشبیهات و استعارات غریب و بدیع جزء نثر فنی و مصنوع به شمار می‌رود. هانری کربن قریب نیم قرن پیش، با آگاهی از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های کتاب، همّت به تصحیح آن گماشت و کوشش کرد پرده از زیبایی‌های این اثر زیبا و شگفت بردارد و آن را از موزه نسخه‌های خطی به کتابخانه آورد تا چشم دوستداران حقیقت و عرفان بدان جلا یابد؛ اما همان گونه که ایشان اذعان داشته، تصحیح این کار، امری دشوار بوده است و مصحح در مواردی به ناتوانی‌اش در قرائت متن اقرار کرده است. بنا بر این دلایل و با توجّه به اهمّیت و جایگاه کتاب در میان متون عرفانی، این پژوهش برای تصحیح دوباره کتاب صورت گرفت.

مسأله پژوهش

کتاب شرح *سطوحیات* اثر روزبهان بقلی (وفات ۶۰۶ هـ.ق) یکی از نمونه‌های برجسته آثار عرفانی است که در آن به مسأله شطح و شرح *سطوحیات* عارفان پرداخته شده است. روزبهان در این کتاب با استفاده از آیات، روایات و احادیث، با زبانی بسیار زیبا، پیچیده و نمادین به شرح *سطوحیات* عارفان پرداخته است. بخشی از کتاب به شرح طواسین حلاج اختصاص دارد؛ بنابراین منبع معتبری برای شناخت بهتر این اثر حلاج است. بخش‌هایی از کتاب نیز به شرح اصطلاحات عرفانی اختصاص یافته است؛ به علاوه نام عارفان بسیاری در آن ذکر شده که در دیگر کتاب‌ها اطلاعی از آنها در دست نیست؛ بنابراین یکی از کتاب‌های مهم در حوزه پژوهش و تحقیقات عرفانی به شمار می‌رود.

این کتاب را هانری کربن در سال ۱۳۴۴ تصحیح کرد. تصحیح هانری کربن از این نظر که چنین کتاب ارزشمندی را به علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه تصوف و عرفان شناساند، بسیار ارزشمند و در خور تقدیر است، با این حال محتوای سنگین عرفانی متن و نثر پیچیده روزبهان، نیز مشکلات مربوط به نسخه‌های خطی موجود، باعث شده مصحح در بسیاری موارد از عهده خواندن درست متن برنیاید یا قرائت نادرستی از واژگان ارائه دهد. به همین دلیل بخش‌هایی از متن ناخوانا و مبهم شده است. این گونه ابهام‌های ایجاد شده بر ابهام ناشی از نوع متن دامن زده، کتاب را چنان پیچیده ساخته که استفاده درست و کامل از آن را برای محققان با مشکل مواجه ساخته است.

اهداف پژوهش و ضرورت آن

کتاب شرح *سطوحیات* یکی از کتاب‌های مهم عرفانی است که در آن به شرح و تفسیر *سطوحیات* صوفیه پرداخته شده است. شطح، در لغت به معنی حرکت است و در اصطلاح صوفیه سخنانی است عجیب که در حالت وجد بر زبان عارف جاری می‌شود، چنان که موجب انکار و ملامت می‌گردد. این مسأله یکی از گسترده‌ترین مباحث عرفانی است و از همان آغاز، کتاب‌های متعددی در این باره نوشته شد. از جمله کتاب‌های مهم و اصلی در این زمینه، شرح *سطوحیات* اثر روزبهان بقلی در قرن ششم است. در این کتاب علاوه بر تفسیر *سطوحیات* عارفان، شرح برخی اصطلاحات تصوف و نام بسیاری از عارفان و آثار آنها نیز آمده است که در حوزه شناخت تاریخ و شخصیت‌های تصوف و عرفان قابل توجه است. با این حال زبان بسیار پیچیده روزبهان باعث شده از این کتاب آن چنان که شایسته است، استفاده نگردد. هر چند زبان متن دشوار است، اما به نظر می‌رسد برخی دشواری‌ها به مسائل تصحیح مربوط می‌شود. با وجود تلاش در خور ستایش هانری کربن در تصحیح متن و شناساندن آن به علاقه‌مندان عرفان و تصوف، اشتباهاتی در شیوه قرائت متن دیده می‌شود. اگر چه طی جستجوهای صورت گرفته برای تصحیح دوباره، نسخه معتبر دیگری از این کتاب یافت نشد، اما قرائت دوباره و دقیق همان نسخه‌ها به اضافه توجه به بخش‌هایی از کتاب که در آثار نوادگان روزبهان چون *تحفه‌العرفان* و *روح‌الجنان* آمده، نیز شناخت بهتر سبک مؤلف، ضرورت تصحیح دوباره متن مشخص

می‌شود؛ به علاوه تقریباً بیشتر ارجاعات آیات سوره‌های قرآنی متن چاپ شده بر اساس قرآن‌های موجود نادرست است. فقدان فهرست مطالب، شرح دشواری‌ها و تعلیقات جامع از دیگر مسائلی است که استفاده از کتاب را مشکل ساخته است. در تصحیح مجدد تلاش می‌شود این نقص‌ها رفع گردد.

پرسش‌های پژوهش

۱- آیا تاکنون نسخه تازه‌ای از کتاب شرح شطحیات یافت شده است؟

۲- موارد اشتباه در تصحیح هانری کربن کدام است؟

۳- تعلیقات متن شامل چه مواردی می‌شود؟

فرضیات پژوهش

۱- اکنون در حدود چهل و پنج سال از تصحیح شرح شطحیات می‌گذرد. هر چند در جستجوهای گسترده‌ای که نگارنده انجام داد، نسخه تازه‌ای از متن فارسی شرح شطحیات یافت نشد، اما به نظر می‌رسد با توجه به نسخه‌های کمکی و قرائت دقیق‌تر همان نسخه‌ها بتوان تصحیح شایسته‌ای از متن ارائه کرد؛ نسخه‌های کمکی که کربن از آنها استفاده نکرده، عبارتند از: ۱- طووسی حلاج، به شماره ۵۸۵۴/۲ (عکسی)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۵۸۱ هجری. ۲- الرّسالة النکات المتصوّفه الروزیه‌انیه، شماره ۳۱۴۲، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که بخش اصطلاحات تصوف کتاب در آن آمده است. ۳- تحفة‌العرفان، تألیف شیخ شرف الدین ابراهیم فرزند روزبهان ثانی به سال ۷۰۰ هجری، این کتاب در شرح حال و مقامات روزبهان بقلی و معرفی آثار او نوشته شده است. بخش‌هایی از شرح شطحیات در آن آمده است. ۴- روح‌الجنان، تألیف شمس الدین عبداللطیف بن صدرالدین ابی محمد روزبهان ثانی، برادر شرف الدین ابراهیم، مؤلف تحفة‌العرفان؛ در این کتاب نیز شرح احوال و آثار روزبهان آمده و بخش‌هایی از شرح شطحیات نقل شده است.

۲- هاشم بناءپور در مقاله‌ای (جهان کتاب، اسفند ۱۳۸۸، شماره ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰، ص ۶۱) چند نکته را درباره تصحیح متن یادآور شده‌اند:

- در صفحه ۱۰۸ فصل ۴۹ چاپ طهوری آمده است: «بنینی که تیره زبان محبت چون دوال دعوی بر طیل معنی زدند» در اینجا «تیره زنان» غلط است و در اصل بوده «تبیره زنان» به معنی طیل زنان.

- در فصل ۵۰، همان صفحه ۱۰۸ آمده «چون از قفای او بیامدند، واقعاً نگاه کرد.» در اینجا «واقعاً» معنی ندارد و در اصل بوده «واقفاً» یعنی در حال ایستاده.

در اینجا به برخی معایب متن که نگارنده به آن پی برده اشاره می‌شود؛ این معایب شامل مواردی است از قبیل افتادگی‌ها، کج‌خوانی‌ها، نخواندن‌ها و بی‌توجهی به اشتباهات کاتبان.

افتادگی‌ها: که شامل دو دسته است:

۱- مصحح هنگام قرائت متن واژه‌ای را از قلم انداخته است: «سبحان الذی ذاب فی سبحات جلاله اسرار الواصلین...اشباح الصادقین. ذوالجلالی که مست کرد شراب و صلتش عاشقان را» ص ۴۵ (در نسخه S^۱ بعد از «الصادقین» آمده «نعت العارف»). «اما شطحیات ابی علی سندی گفتنش که «من در حالتی بودم و در آن منزل از بهر خود بودم» ص ۹۴ (در S و M^۲ بعد از جمله «من در حالتی بودم» این جمله آمده «که من با من بودم»)

۱. نسخه‌ای که در متن حاضر با علامت A نشان داده شده است.

۲. نسخه‌ای که در متن حاضر با علامت B نشان شده است.

کج خوانی‌ها: که شامل دو دسته است:

۱- در خواندن کلمه؛ چند جمله زیر فقط در نسخه **S** موجود است:

«عروسان سیارات در ابراج افلاکش نه فیض ملک او نگارد و دلوهاء زرین هر سحرگاه به دولاب سیمین بردارد» ص ۴۴ (در **S** «برآرد» آمده نه «بردارد».)

«خاک بذر از گل وجودی اوست» ص ۴۷ (در **S** «دلجوی» آمده است.)

۲- «و بر منبر مصطفی به بانگ خطبه لشکر محبوس عجم به هزیمت راندی» ص ۴۸ (در **S** «خطبه» نیامده و به جای «محبوس»، واژه «مجبوس» آمده که منطقی‌تر است.)

اما مواردی که در نسخه‌های دیگر هم آمده است:

«آنک عین تفرّسش نقش قوام ملکوت خواندی» ص ۴۸ (در **S** و **M** «قرام» آمده به معنی «پرده رنگین» که صحیح می‌نماید.)
«از برای تلخیص این علم از طعن حاسدان رنج بسیار کشیدم» ص ۵۲ (در **S** و **M** «تلخیص» آمده است.)

نخواندن‌ها: در متن چاپی شرح شطحیات واژگانی به چشم می‌خورد که علامت سؤال روبه روی آنها قرار گرفته است و

مصحح اعتراف کرده که نتوانسته آنها را بخواند یا گمانه زنی کند. باید اقرار کرد در بیشتر موارد حق با مصحح بوده است:

«ابوحمزه گفت «چون این نمی‌توانی شنید، چرا آنجا که بارماد (؟) بنیامیزی تا از آن خوری، کیستی تو از اکل طیبات و توسع در

آراستن و سرای جامه» ص ۱۷۶ (با توجه به نسخه **A**^۱ «نخاله با رماد» صحیح است: «فلم تاكل النخاله بالرّماد».)

- آیات قرآن در متن چاپی اعراب گذاری نشده و با توجه به چاپ قرآن‌های قدیمی ارجاع داده شده که امروز نمی‌توان به درستی از آن استفاده کرد.

۳- تعلیقات کتاب یکی از بخش‌های اصلی این پایان نامه را تشکیل می‌دهد که عبارتند از: فهرست آیات، احادیث نبوی (عربی و فارسی)، احادیث قدسی، عبارات عربی، اقوال اولیا و مشایخ، ابیات فارسی و عربی، حکایات، اعلام اشخاص، کتاب‌ها، جای‌ها، حیوانات و پرندگان و معانی واژگان دشوار.

پیشینه تحقیق

- کتاب شرح شطحیات روزبهان بقلی را هانری کربن، شرق شناس فرانسوی، در سال ۱۹۶۶ م/۱۳۴۴.ه.ش، بر اساس دو نسخه فارسی و در کنار آن کمک گرفتن از یک نسخه عربی منطق الاسرار ببیان الانوار تصحیح کرد.

- قاسم میرآخوری، متن عربی منطق الاسرار ببیان الانوار را به فارسی ترجمه کرد که انتشارات شفیعی آن را تحت عنوان مکاشفات صوفیان در سال ۱۳۸۶ به چاپ رساند.

- در سال ۱۳۸۶، اینجانب در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان فرهنگ تحلیلی شرح شطحیات، تعلیقاتی برای کتاب تهیه کردم.

- در اسفند ۱۳۸۸، هاشم بناءپور در مقاله‌ای با عنوان چند نکته در تصحیح هانری کربن از شرح شطحیات در جهان کتاب، شماره ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰، ص ۶۱، به مواردی از اشتباه مصحح در خوانش متن و نقاط ضعف کتاب اشاره کردند.

نوع و شیوه تحقیق

روش کار تحلیلی است. این پژوهش به صورت شناسایی نسخه‌های خطی معتبر، گردآوری و ضبط درست واژگان، برای تصحیح و تحلیل صورت گرفته است.

^۱. نسخه‌ای که در متن حاضر با علامت **C** نشان داده شده است.

فصل اول

کلیات

- زندگی نامه
- کتاب شرح شطحیات
- معرفی نسخه ها
- شیوه تصحیح

زندگی نامه

نام، القاب، کنیه

نامش روزبهان، کنیه‌اش «ابومحمد» و پدرش «ابونصر» بود. در تذکره‌هایی که از وی یاد کرده‌اند، القاب مختلفی به وی داده شده، از جمله: «سید الاقطاب، سلطان العرفا، برهان العلماء، قدوة العشاق، شطاح فارس، پیشوای اصحاب حقیقت، مقتدای ارباب طریق، خلاصه محققین آفاق و...» ولی شهرت وی بیشتر «شیخ شطاح» است؛ (آریا، ۱۳۶۳: ۱۸) هم از آن رو که خود در *عبر العاشقین* می‌گوید که حق به من گفت: «صرت عاشقاً وامقاً محباً شائقاً حراً شطاحاً» (بقلی، ۱۳۳۷: ۴) نیز بدان سبب که خود در حال وجد شطح می‌گفت؛ از سوی دیگر شطحیات عارفان را شرح می‌کرد.

نسبتش را فسوی یا فساوی یا بسایی نوشته‌اند و گاهی به دلیل اقامتش در شیراز، الفسوی ثم الشیرازی ذکر کرده‌اند. (آریا، ۱۳۶۳: ۱۹)

در تاریخ تصوّف نسبت به نام و آوازه روزبهان بی مهوری شده و حضور همزمان چندین روزبهان در عصر وی نقل حکایات نادرست از زندگیش را در میان تذکره نویسان رقم زده است.^۱

زادروز

در زادروز وی اختلاف نظر است؛ چرا که به تصریح نوادگانش در *تحفة العرفان* و *روح الجنان*، شیخ به سال ۵۲۲ هجری دیده به جهان گشود؛ اما ماسینیون سال ۵۳۰ هجری را بیان کرده، آن هم با استناد به این مطلب که چون روزبهان پنجاه و پنج ساله بود که تألیف *کشف الاسرار* را آغاز کرد و در سال ۵۸۵ هم به پایان برد، این مطلب بر توکد او در ۵۳۰ دلالت دارد. (بقلی، ۱۳۳۷: ۷، پاورقی) اما همان قول اوّل صحت و شهرت دارد.

زادبوم

زادبومش شهر فسا، یکی از شهرهای قدیم فارس است؛ شهری که نامش در دوران ساسانی و تا قرن پنجم و ششم اسلامی «پسا» بوده و معرب آن را «بسا» و سپس «فسا» خوانده‌اند. (آریا، ۱۳۶۳: ۱۶) اما تبار

^۱ . در مقدمه *عبر العاشقین* از نام و مشخصات چندین روزبهان یاد شده است، از جمله شیخ کبیر، روزبهان مصری کازرونی الاصل، که اتفاقاً از دیالمه و طبرستان بوده و نامش شهرت و آوازه‌ای داشته و در تذکره‌ها حکایات زندگی وی با زندگی روزبهان بقلی آمیخته شده است. در بعضی موارد گاه دیده شده برخی تذکره نویسان برای پیشگیری از اشتباه، روزبهان مصری را، روزبهان کبیر و شیخ شطاح را روزبهان صغیر خوانده‌اند. (بقلی، ۱۳۳۷: ۷ مقدمه) با این حال مؤلف *شاه‌الآثار، طرائق الحقایق و تحفة العرفان* «لقب کبیر» را برای هر دو روزبهان قائل شدند. (ماسینیون، نقل از مقدمه *عبر العاشقین*)

خانواده‌اش به دیلمیان و خطّه گیلان می‌رسد. دیالمه از زمان حکومت آل بویه (۳۲۰-۴۴۷هـ. ق) در جنوب ایران مخصوصاً نواحی فارس مستقر شدند. (بقلی، ۱۳۳۷: ۵ مقدمه)

کودکی

شور و اشتیاق وی در «طلب» شناخت حقیقت از همان کودکی او را از همسالان متمایز کرده بود: «در آن طفلی از کودکان هم نشینان در مکتب می‌پرسیدم: «خداوند خود می‌شناسید؟» ایشان می‌گفتند: «می‌گویند از جای و جهات منزّه است» از این سخن مرا وجدی حاصل می‌شد. «به قول کشف الاسرار در سن سه، هفت و پانزده سالگی سه بار جاذبه الهی در قلبش خطور کرد و سبب شد که او همه چیز را دوست بدارد و همه چیز به نظر او به صورت نیکو جلوه کند.» (بقلی، ۱۳۳۷: ۸ مقدمه)

جوانی

داعیه اشتیاق طلب، او را در جوانی به رهاکردن کار و دکان بقالی و دریدن جامه‌ها و دویدن به سوی صحرا و بیابان‌ها کشاند. مؤلف تحفه‌العرفان نقل می‌کند که روزبهان هفت سال در کوه بموی، شمال شیراز، فقط با یک خرّقه به سرآورد، تزکیه نفس کرد و در تابستان و زمستان به تطهیر و غسل و وضو مشغول بود، بدون آنکه خرّقه از تن به درکند. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۱۳ تحفه‌العرفان) شاید همین مطلب باعث شده تا ماسینیون نیز مدت شش سال و نیم (۵۴۵ - ۵۵۱) را برای سرگشتگی روزبهان در بیابان گمان کند؛ تاریخی که معین نیز در مقدمه *عبر‌العاشقین* (ص ۸) تکرار کرده است. به نظر نگارنده این تاریخ با تاریخ دیگری که خود ماسینیون درباره پیوستن روزبهان به جمع صوفیان ارائه می‌دهد (۵۴۸-۴۹) متناقض است. به نظر می‌رسد مدت یک سال و نیم که مؤلف *روح الجنان* (ص ۱۶۷ و ۱۶۸) و به تبع او کارل ارنست مطرح کرده، منطقی‌تر است. روزبهان این زمان را در خلوت به ذکر و تفکر گذراند، آنگاه روی به تصوف آورد و حافظ قرآن شد. ماسینیون بیان کرده که روزبهان بعد از این سرگشتگی در (۵۴۸-۴۹) به جمع صوفیان در شیراز پیوسته و با رباط خانواده بنوسالبه در شیراز در ارتباط بود.^۱ سپس به پسا بازگشت و مرید شیخ جمال الدین ابی‌الوفاء خلیل‌الفسائی شد. (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۱)

تحصیلات

^۱ این نظریه ماسینیون مبتنی است بر شجره تصوف روزبهان که نیرگان وی عرضه کرده‌اند؛ آنها می‌گویند روزبهان خرّقه تصوف را از سراج‌الدین محمود بن خلیفه، از خانواده سالبه، دریافت داشت، اما روزبهان تصریح می‌کند که من در آن زمان پیری نداشتم. (ارنست، ۱۳۷۷: ۴۵)

روزبهران علاوه بر تصوّف و عرفان، علوم قرآن، تفسیر، فقه و حدیث را فراگرفت و در این حوزه آثاری تألیف کرد. استاد او در فقه «ارشاد الدین نیریزی» بود و در حدیث، «حافظ سلفی» که صحیح بخاری را از وی سماع کرد.^۱

استادان، پیران، معاصران

چنان که اشاره شد، استاد روزبهران در فقه، «ارشاد الدین نیریزی» و در حدیث «حافظ سلفی» در مرز اسکندریه، بود. البته ماسینیون درباره استاد حدیث او، تردید کرده است و احتمال داده وی استاد روزبهران مصری کازرونی الاصل بوده است. امام فخرالدین ابن مریم از دیگر استادان علوم دینی وی بود. اولین پیر او در طریقت، شیخ جمال الدین بن خلیل فسایی بود که روزبهران در فسا او را خدمت کرد. دومین پیر، فردی به نام شیخ جاگیر کردی (وفات ۵۹۱ هـ. ق) بود که در سامرا می‌زیست و گویا در سفری که روزبهران به عراق داشته، به خدمت وی مشرف شده است. مرشد دیگر، شیخ سراج الدین محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد بن سالبه (وفات ۵۶۱ هـ. ق)، پیشوای طریقه عرفان بود که گروه بسیاری از جمله شیخ روزبهران بقلی از دست او خرّقه پوشیده‌اند.^۲ شیخ ابوبکر بن عمر بن محمد معروف به برکر، از دیگر مشایخی است که روزبهران بدو ارادت می‌ورزید و بعضی از تألیفات و مصنّفات خویش را بر او می‌خواند.

درباره بزرگان و مشایخی که در عصر روزبهران می‌زیستند، نواده او، مؤلف تحفة العرفان، از دو گروه نام برده: گروهی که هیچ‌گاه روزبهران را ملاقات نکردند اما به طریق واقعه از وجود او آگاه بودند و میان آنها مکاتباتی صورت می‌گرفت از جمله: شیخ شهاب الدین عمر سهروردی، شیخ علی لالا، شیخ نجم الدین کبری، شیخ نجیب الدین عبدالخالق تستری، تاج الدین محمود اشنه‌ی، شیخ صدرالدین محمد اشنه‌ی، شیخ الشیوخ بهاء الدین یزدی، امام الاثمه فخرالدین رازی، شیخ فخرالدین فارسی.

گروه دوم بزرگانی بودند که در شیراز و حومه آن می‌زیستند و ایشان را با شیخ ملاقات بوده و حسن ارادتی نموده‌اند، از جمله: قاضی القضاة محمد بن اسحاق حسینی، قاضی سراج الدین فالی، شمس الدین ترک، شیخ الشیوخ عزالدین مودود، ابوالقاسم جابری، شیخ شمس الدین محمد بن شیخ صفی الدین، شیخ

^۱ . ماسینیون این سخن را که مؤلف شدّ الازار نقل کرده، رد می‌کند و بر این باور است که وی روزبهران بقلی را با روزبهران کازرونی مصری اشتباه گرفته است. (بقلی، ۱۳۳۷: ۲۱ مقدمه)

^۲ - «خرّقه ستاندن روزبهران از دست شیخ سراج الدین محمود» را نوادگان روزبهران در سیره شیخ بیان کرده‌اند اما کارل ارنست مخالف آن است و با تکیه بر مطلب کشف الاسرار (بند ۱۳) بیان می‌کند که روزبهران در آن زمان [هنگام اقامت در شیراز] پیری نداشته است. (ارنست، ۱۳۷۷: ۴۵)

ابوالحسن علی بن عبدالله معروف به کردویه، شیخ جمال الدین ساوجی، فقیه صائن الدین حسین بن محمد بن سلمان، شیخ علی سراج، شیخ ابوبکر بن طاهر حافظ.^۱ (بقلی، ۱۳۳۷: ص ۳۵-۱۸ مقدمه)

اوضاع سیاسی در عصر روزبهان

شیراز در عصر روزبهان، پایتخت سلغریان یکی از چند سلسله نیمه مستقل اتابکان بود. «اتابکان نایبان اسمی پادشاهان سلجوقی بودند که نخست به عنوان مُقطعان خراجگزار سلاجقه سپس خوارزمشاهان و سرانجام مغولان، قدرت واقعی یافتند. سلغریان به مدت ۱۲۰ سال از ۱۱۴۸/۵۴۳ تا ۱۲۷۰/۶۶۸ که مغولان بالاخره مستقیماً بر فارس دست انداختند، استقلال خود را حفظ کردند. آشوب‌های سیاسی و رقابت بر سر قدرت آن دوران را به روزگاری متلاطم تبدیل کرد، گرچه سال‌های آرامشی نیز وجود داشت.» (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۰)

شهر فسا و نواحی اطراف آن در زمانی که شیخ به شیراز نقل مکان کرد، به دست طوایف شبانکاره^۲ ویران شده بود و امراء سلجوق هم برای از بین بردن دیالمه - که بیشتر در همان حدود فسا متمرکز بودند - از هر نوع ظلم و ستمی دریغ نمی‌کردند.^۳ (ندیمی، ۱۳۴۵: ۴۱)

سفرها

روزبهان در شیراز در رباط بنوسالبه اقامت داشت. به گفته مؤلف *روح الجنان*، پس از مراجعتش به پسا، زمانی به زیارت بیت الله حرام و روضه نبوی می‌رود. چندی بعد رباط خود را پس از بازگشت از زیارت خانه خدا، سال (۵۶۰ هـ. ق) در باب الخداهش بن منصور بنا کرد و آنجا مقیم شد.^۴ (آریا، ۱۳۶۳: ۲۳ - ۲۴) در این مدت سفرهایی به کرمان، عراق، شام و مصر داشت. حدود سال ۵۷۰ هجری در اثر کدورتی که با اتابک وقت برایش پیش آمد، به فسا بازگشت. آنجا باغی خرید؛ یکی از زنانش نیز فوت کرد. تألیف کتاب *منطق الاسرار* را در فسا آغاز کرد. چون حکومت فارس در ۵۷۱ هـ به امیر سلغری *تکله بن زنگنه* رسید، به درخواست و لطف‌های او، به شیراز بازگشت. (همان: ۲۳ - ۲۵)

^۱ - مشخصات این مشایخ به طور کامل در مقدمه *عبر العاشقین* آمده است.

^۲ . شبانکاره بر بلاد مهمی از فارس حاکم بودند، چون: زرقان، استهبانات، فرگ، خیر، نیریز، فسا و داراب. (ندیمی، ۱۳۴۵: ۴۱ پاورقی)

^۳ «در جمادی الاخر سال ۴۴۱ آلب ارسلان بن داود پسر برادر طغرل بیگ سلجوقی از مرو به خراسان می‌آید و از آنجا بدون اطلاع عمومی خود به فسا می‌رود، حکمران شهر فرار می‌کند و او در حدود ۱۰۰۰ نفر از رجال دیلم و عده کثیری از مردم را مقتول و سپس به خراسان برمی‌گردد.» (ندیمی، ۱۳۴۵: ۹ به نقل از تاریخ ابن اثیر)

^۴ . امروزه آن محل را که مقبره شیخ در همانجا واقع است، «در شیخ» گویند که در خیابان لطفعلی خان زند پایین‌تر از گود عربان واقع شده.

^۵ . این سالی است که ماسینیون پیشنهاد می‌کند اما کارل ارنست با آن مخالف است. (رک ← کتاب *شرح شطحیات*، همین مقدمه).

وفات

روزبهان پنجاه سال را در مسجد عتیق شیراز به وعظ و اندرز پرداخت و آثار فراوانی در حوزه عرفان و تصوف تألیف کرد. پس از تکلله حکومت فارس به سعد بن زنگی رسید. او در آغاز به دلیل سعایت حاسدان، نسبت به روزبهان بی مهری کرد، اما با دیدن کرامات شیخ و عظمت روح او از جمله مریدان و دوستداران وی درآمد. بیماری فلج، اواخر عمر، جان مبارکش را چنان ناتوان کرد که روی نیکویش به سال ۶۰۶ هجری در نقاب خاک پنهان شد. خاک جایش را همان رباط و عبادتگاهش قرار دادند تا پیوسته جایگاه زیارت و پرستش صاحب دلان و حقیقت جویان قرار گیرد.

خاندان روزبهان و طریقت روزبهانیه

به گفته مؤلف تحفه‌العرفان، شیخ روزبهان دو پسر و سه دختر داشت. پسر بزرگ او شیخ شهاب الدین محمد، به پرهیزگاری معروف بود و قرآن و علم تدریس می‌کرد که شش ماه پیش از پدر، زندگی را بدرود کرد.

فرزند شیخ شهاب الدین، شیخ ابوبکر نام داشت که او نیز چون پدر و پدربزرگ خویش مشتاق و مستغرق بود و پیوسته روزه می‌گرفت و شب زنده داری می‌کرد. پسر کوچک شیخ روزبهان، شیخ فخر الدین احمد در علوم بسیار متبحر بود و صاحب فضایل. فرزند او شیخ صدرالدین روزبهان ثانی نام داشت. دو فرزند شیخ صدرالدین روزبهان ثانی، نود و چند سال پس از فوت روزبهان بقلی (حدود سال ۷۰۰ تا ۷۹۵ هجری)، اقدام به نوشتن زندگی‌نامه جدّ خویش کردند. شیخ شرف الدین ابراهیم کتاب تحفه‌العرفان را تألیف کرد و شیخ شمس الدین عبداللطیف^۱ کتاب روح الجنان را. آنها در کتاب خویش زندگی، کشف و کرامات شیخ روزبهان بقلی را توصیف و آثار او را با آوردن گزیده‌هایی از هر کدام معرفی کردند.

مؤلف کتاب هزار مزار^۲، روزبهان را پیر و مرشد فرقه‌ای از آیین تصوف به نام خودش یعنی «روزبهانیه» خوانده است. چنین به نظر می‌رسد که «بازماندگان خود روزبهان فی الواقع طریقه یا فرقه‌ای را تأسیس کردند و نیتشان ترویج شجره یا زنجیره‌ای بود از تعالیم مشایخ این طریقه مبتنی بر روش یا روالی روحانی.» (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۹)

^۱ عجیب است که در مقدمه عبهرالعاشقین نامی از شمس الدین عبداللطیف و اثر او نیست. محمدتقی دانش پژوه گفته که او از دست پدر خویش خرجه ستانده؛ اما در شدالازار یاد می‌کند او نیست و گویا سرگذشت او در جایی نیامده است. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۶۱ مقدمه مصحح)

^۲ اصل کتاب به زبان عربی با نام «شدالازار فی حطّ اوزار عن زوار المزار»، تألیف معین الدین ابوالقاسم جنید (حدود ۷۹۱ هـ. ق) است که فرزندش عیسی بن جنید آن را با عنوان ملتسم الاحباء خالص من الریاء به فارسی ترجمه کرده و همین ترجمه عموماً به هزارمزار شهرت یافته است. (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۸ و ۳۹)

زندگی نامه نویسان روزبهان برای وی شجره نامه خرّقه پوشی، فراهم کردند که به گفته کارل ارنست هر چند کربن این شجره نامه را «مُحرز و مسلّم» دانسته اما با عنایت به تصوّر خود روزبهان از ولایت، بایستی در ارزش آن تردید کرد. (همان: ۳۹)

بنابراین از طریق بررسی آراء نظری و شیوه عملی روزبهان در تصوّف، اصول این طریقت را می توان شامل موارد ذیل دانست:

الف. ریاضت، ریاضات سختی که روزبهان سالها در فسا و کوه بموی شیراز گذراند.

ب. سماع، که روزبهان توجه خاصی بدان داشته و جامی در *نفحات* از قول روزبهان نقل کرده که: «قوال باید خوب روی باشد زیرا که عارفان در مجمع سماع جهت ترویج قلوب به سه چیز محتاجند: روایح طیّبه، وجه صبیح، صورت ملیح...».

ج. عشق و زیبایی، توجّه ویژه روزبهان به عشق زمینی - که آن را پلی به سوی عشق حقیقی می داند - در کتاب *عبر العاشقین* به روشنی می توان مشاهده کرد. حکایات متعدّدی از او درباره جمال پرستی و ارتباط آن با عشق در تذکّره ها نقل شده است.

د. رسم خانقاه و خرّقه پوشی، روزبهان خود در شیراز رباطی ساخت و از دست شیخ سراج الدین محمود بن خلیفه خرّقه گرفت.

از نظر مذهبی نیز شیخ، مسلمان سنی و پیرو مذهب شافعی بوده است و کتاب *الموشح فی المذاهب الاربعه و ترجیح قول الشافعی بالدلیل* را در فقه شافعی تألیف کرده است. با این همه از فرقه های دیگر نیز آگاه بوده، اما ظاهراً فرزندان وی به تشیّع متمایل می شوند تا جایی که نواده وی یعنی روزبهان ثانی در روز عاشورا ذکر اهل بیت می گفته و خود را کمینه چاکر آنها می دانسته است. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۲۶-۲۵)

به نظر می رسد تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر در این امر بی تأثیر نبوده است و شاید گرایش به تشیّع یکی از راه های زنده نگه داشتن این سلسله و طریقت بوده که تنها نمایندگانش، نوادگان روزبهان بوده اند. گویا تا چندین نسل نوادگان روزبهان، تجسّم عینی روزبهانیه بودند. «به نظر می رسد عمر این طریقه صوفی در شکل یک خانواده، در چهارمین نسل پس از روزبهان با مرگ نبیره او صدرالدین بن صدرالدین ابراهیم روزبهان سوم به سر آمد.» (همان: ۳۹)

با وجود اینکه تألیفات روزبهان در میان نخبگانی از خوانندگان ایران، هندوستان، آسیای مرکزی، ترکیه عثمانی و آفریقا شیوع گسترده ای داشته، اما طریقت روزبهانیه گویا محدود به خاندان وی و شهر شیراز

بوده، از این رو با گذشت زمان و از بین رفتن شخصیت‌های برجسته خاندان روزبهان، نیز شکل‌گیری افکار افراطی ضد تصوف به ویژه در دوره صفویه^۱، عمر این طریقه عرفانی به پایان رسید. با فراموش شدن طریقت روزبهانیه، بقعه روزبهان نیز که زیارتگاه مهمی در شیراز بود و نویسندگانی چون ابن بطوطه (۷۲۵ هـ. ق) و حمدالله مستوفی جغرافی دان (۷۳۶ هـ. ق) از آن نام برده بودند، رو به ویرانی نهاد و عوام الناس سنگ و آجر عمارتش را به دزدی بردند و آنجا را محل گاو و گوسفند قرار دادند. در سال ۱۳۴۷ هجری قمری، ایوانف، مزار روزبهان را در شیراز کشف کرد و شخصاً سنگ قبر شیخ را از خاک بیرون آورد و تجدید بنای آن با استفاده از کاشی کاری جدید و کتیبه‌هایی در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی پایان یافت. (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۷-۳۸)

آثار روزبهان بقلی

شیخ روزبهان در کتاب *بیان المقامات* آثار خود را بیش از صد کتاب برمی‌شمارد، اما آثار او پس از مرگش پراکنده شد و نود سال بعد یکی از نوادگانش به نام شرف الدین ابراهیم در کتاب *تحفته العرفان* که به زندگی و آثار شیخ پرداخته، قریب به بیست و یک اثر را نام برده است. نواده دیگر او عبداللطیف بن صدرالدین ابی محمد روزبهان ثانی در کتاب *روح الجنان* با همین موضوع، در فهرست عناوین آثار وی به چهل اثر اشاره می‌کند.

مشکلی که در مورد معرفی آثار روزبهان دیده می‌شود، این است که متأسفانه در برخی موارد بعضی آثار با هم یکسان تلقی شده است؛ مثلاً معین در مقدمه *عبر العاشقین* رساله *غلطات السالکین* را همان رساله *النکات المتصوفه* الروزبهانیه دانسته، در حالی که این دو اثر کاملاً متفاوت هستند و کربن در مقدمه شرح *شطحیات*، رساله *النکات* را جزء شرح *شطحیات* دانسته‌اند، نه اثری مستقل.

به هر حال هنوز هم هنگام بررسی آثار روزبهان نکات و مسائل مبهمی وجود دارد که می‌توان درباره آن تحقیق و جستجو کرد.

روزبهان در تفسیر، فقه، حدیث، کلام و عرفان آثار متعددی تالیف کرده است که در اینجا از آنها نام می‌بریم.

^۱ در سال ۱۵۰۳/۹۰۹، شاه اسماعیل ۴۰۰ تن از پیروان طریقه کازرونی را در فارس قتل عام و از بسیاری مقابر صفویه در آن خطه هتک حرمت کرد. (ارنست، ۱۳۷۷: ۳۸) نیز ممکن است اشتباه شدن نام روزبهان با جدلی ضد شیعه‌ای موسوم به فضل بن روزبهان، خصومت شیعیان بر ضد روزبهان بقلی را برانگیخته باشد. (همان: ۴۷ یادداشت‌ها)

در تفسیر

لطائف البیان فی تفسیر القرآن

به گفته مؤلف روح الجنان این کتاب در پنج جلد نوشته شده است، مشتمل است بر اقوال ائمه تفسیر و بیان اعراب و انشاقات. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۲۴۲) ابتدا اقوال مفسرانی چون ابن عباس، ضحاک، قتاده، کلبی و امثال ایشان را آورده و در آخر قول خود را بیان کرده است. (بقلی، ۱۳۳۷: ۶۴ مقدمه)

عرائس البیان فی حقایق القرآن

در این تفسیر قول ائمه مشایخ را آورده، مثل جنید و ابن عطا و شبلی و ابوبکر واسطی و سهل عبدالله تستری و عبدالرحمن علی - قدس الله ارواحهم - و در آخر فرماید: «و اقول کذا». (بقلی، ۱۳۳۷: ۶۴ مقدمه) حاجی خلیفه آن را تفسیری بر طریقه اهل تصوف دانسته که روزبهان خیلی مختصر بدون اطاله و ملال آوری تالیف کرده است. در حیب السیر، مجمع الفصحا، آثار العجم و فارسنامه ناصری و طرائق الحقایق از این کتاب با عنوان «تفسیر عرایس» یاد شده است. (همان: ۶۴ و ۶۵) به گفته مؤلف روح الجنان این کتاب در سه جلد نگاشته شده که هر چند اقوالی از ائمه اهل توحید و تفرید در آن آمده، بیشتر مطالبی برخاسته از ذهن و بیان خلّاق و بکر خود اوست که چون گله‌ها و شقایق بوستان قرآن است و حقایق معانی دقیق آن را نشان می‌دهد. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۲۴۲)

در شرح احادیث

مکنون الحدیث

نام این کتاب در تحفة العرفان «شرح مکنون الحدیث» آمده و در روح الجنان به صورت «المکنون» ضبط شده است. مؤلف روح الجنان درباره مطالب این کتاب می‌گوید که شیخ در آن شیوه عارفان و مشایخ پیشین را بیان و در شرح برخی احادیث از سخنان بعضی مشایخ و واعظان نقل قول کرده است. سپس ده حدیث از آن کتاب را به عنوان نمونه ذکر می‌کند. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۲۵۸) دانش پژوه عنوان کتاب را چنین آورده: «المکنون فی حقایق الکلم النبوه» و ضمن معرفی نسخه خطی از آن بیان کرده روزبهان در پایان این رساله از تفسیر ابوسلیمان خطابی بندهایی گنجانده و تفسیرهای احادیث را از محدثان نامور آورده، و